

## امامت از دیدگاه قرآن

قرآن کریم در آیه های متعددی به طرح مسأله امامت از جهات گوناگون پرداخته و زوایای مختلف آن را مطرح نموده است . آنچه اکنون مورد نظر می باشد امامت و ویژگیهای امام از دیدگاه قرآن است . واژه امام به معنای جلودار و اقتداء شونده است . اما واژه (ولی) ، در لغت به معنای سرپرست و اداره کننده امر، و به کسی گفته می شود که بر کار کسی سرپرستی کند .

امامت از دیدگاه قرآن : قرآن کریم در آیه های متعددی به طرح مسأله امامت از جهات گوناگون پرداخته و زوایای مختلف آن را مطرح نموده است . آنچه اکنون مورد نظر می باشد امامت و ویژگیهای امام از دیدگاه قرآن است . واژه امام به معنای جلودار و اقتداء شونده است . اما واژه (ولی) ، در لغت به معنای سرپرست و اداره کننده امر، و به کسی گفته می شود که بر کار کسی سرپرستی کند.

آیه ابتلاء (وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ) (۱) (بخاطر بیاور) هنگامی که خداوند ابراهیم را با کلماتی (امور گوناگونی) آزمود و او بخوبی از عهده آنها برآمد، خداوند به او فرمود: من تو را امام و رهبر مردم قرار دادم ، ابراهیم گفت : آیا از نسل من (نیز امامانی قرار خواهی داد)؟ خداوند فرمود پیمان من (مقام امامت) به ستمکاران نمی رسد.

نکات آیه آیه فوق دربردارنده چند نکته است :

۱ - بر اساس این آیه امامت آخرین مرحله سیر تکاملی ابراهیم بوده است ؛ زیرا او پس از نبوت به امامت رسیده است . مقام مزبور که بعد از طیّ مراحل سخت و آزمایشهای گوناگون دوران نبوت به ابراهیم اعطا گردید، بالاتر از مقام نبوت است . این مقام ، امامت و رهبری همه جانبه مادی ، معنوی ، ظاهری و باطنی است .

امام با نیروی معنوی خود افراد شایسته را در مسیر تکامل باطنی رهبری می کند و با قدرت علمی خویش افراد نادان را تعلیم می دهد و با نیروی حکومتش اصول عدالت را . با این بیان ، امام دارای کمال روحی و تعالی اخلاقی فزاینده است که به عنوان یک (انسان کامل ) مطرح است ، و می تواند پیشوای دیگران باشد.

۲ - درخواست حضرت ابراهیم (ع ) از خداوند مبنی بر استمرار امامت در فرزندانش به صورت کلی پذیرفته نشد؛ زیرا خداوند در پاسخ او با این جمله که عهد و پیمان من (امامت ) به ستمکاران نمی رسد، فهماند که این مقام زینده هر کس نیست ، بلکه آمادگی قلبی و توانایی فوق العاده ای را می طلبد، و گذر از گردنه های سخت را اقتضا می کند تا شایستگی امامت بروز کند.

۳ - ستمکار هرگز به امامت نمی رسد، زیرا مراد از ستمکار در آیه ، مطلق کسانی می باشند که از آنها هر نوع ظلمی (اعم از ظلم به خویشان یا به دیگران ) در بُرهه ای از زمان حیاتشان سرزده باشد.(۲) اگر کسی بگوید که از این آیه همین مقدار استفاده می شود که ظالم در حال ظالم بودنش به امامت نمی رسد، ولی دلالت ندارد که اگر توبه کرد بعد از توبه هم نتواند به امامت برسد، در پاسخ می گوئیم :

مردم بر حسب تقسیم عقلی منحصر به چهار دسته اند: یک دسته کسانی هستند که در تمام عمرشان ظالم و گنهکارند. دسته دوم کسانی اند که در تمام عمرشان ظلم (و گناه ) مرتکب نمی شوند. دسته سوم آنهایی

هستند که فقط در ابتدای عمرشان ظالمند. چهارم عکس دسته سوم ، یعنی کسانی می باشند که فقط در آخر عمر به ظلم و ستم آلوده می گردند.

شاءن حضرت ابراهیم (ع) بالاتر از این است که برای گروه اول و چهارم از فرزندان و ذریاتش ، از خداوند امامت را بخواهد. پس دسته دوم و سوم باقی می مانند، که برای این دو گروه امامت را از خدا می خواهد، و خدا هم امامت را از گروه سوم ، یعنی کسانی که در آغاز زندگی ظالم بوده و بعد از ظلم و گناه دست کشیده اند، نفی می کند؛ و در نتیجه شایستگی امامت فقط برای دسته دوم که در تمام عمر از ظلم و گناه مصون باشند ثابت می شود.(۳)

۴ - امامت همانند نبوت یک عهد و مقام الهی است ، و امام فقط توسط خداوند تعیین و نصب می گردد، چون فرمود: (إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا) من تو را برای مردم امام قرار دادم . **آیه اولی الامر** (یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ ... ) (۴) ای کسانی که ایمان آورده اید، اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید پیامبر خدا و صاحبان امر را! این آیه نیز در پی اثبات مقام ولایت امر (و امامت) بعد از پیامبر، و ضرورت پیروی بی چون و چرا از او می باشد. واژه (امر) دو معنا دارد: دستور و فرمان ، کار و چیز، و در اینجا اولی الامر یعنی صاحبان دستور و فرمان ، که معنای ساده تر آن (صاحبان اختیار) است . (۵) پیرامون اولی الامر از دو نظر می توان بحث کرد، یکی اثبات اصل ولایت و امامت بعد از پیامبر(ص) و ویژگیهای آن ؛ دیگر مصادیق اولی الامر.

آنچه اکنون محل بحث قرار می گیرد، نکته اول است ، که همه مسلمانان بر آن اتفاق دارند؛ زیرا همگی وجود امام و رهبر را طبق صریح آیه ضروری می دانند، هر چند در مصادیق آن اختلاف نظر داشته و هر یک

دیدگاه خاص خودش را دارد. بررسی نظرات مفسران بزرگ اسلامی نشان می دهد که امر به اطاعت از اولی الامر همانند امر به اطاعت از رسول می باشد که این خود گویای چند واقعیت است :

۱ - اطاعت از اولی الامر همانند اطاعت از خدا و رسول بدون قید و شرط واجب است . بنابراین اوامر او در همه شؤ ون دینی ، دنیوی ، سیاسی ، اجتماعی و غیرآن لازم الاجرا می باشد.

۲ - همانگونه که پیامبر(ص) بر خلاف دین و فرامین الهی ، و به معصیت و گناه فرمان نمی دهد، اولی الامر نیز چنین فرمانی صادر نمی کند، و حکم او، حکم خدا و رسول او خواهد بود، و در نتیجه اطاعتش واجب است . ۳ - همان طور که پیامبر از همه گناهان و زشتیها معصوم است ، اولی الامر نیز چنین اند؛ زیرا خداوند به پیروی از اولی الامر بطور مطلق و بدون قید و شرط فرمان داده است ، و هر کس که خداوند اینگونه امر به اطاعت از او کند ضرورت دارد که از هر گونه خطا و زشتی معصوم باشد، و الا تناقض در صدر و ذیل آیه لازم می آید. پس ثابت می گردد که اولی الامر در آیه حتماً باید معصوم باشد. (۶)

۴ - همانگونه که رسول از جانب خدا تعیین و نصب می شود، اولی الامر نیز باید از جانب خدا تعیین و نصب گردد. (۷)

۱- بقره ( ۲ ) ، آیه ۱۲۴ . ۲- بر گرفته از تفسیر المیزان ، ج ۱ ، ص ۲۷۴ ، چاپ بیروت ؛ و تفسیر مجمع البیان ، جزء اول ، ص ۴۵۶ - ۴۵۷ ، چاپ بیروت . ۳- همان . ۴- نساء ( ۴ ) ، آیه ۵۹ . ۵- قاموس قرآن ، ج ۱ ، ص ۱۱۰ - ۱۱۱ . ۶- اقتباس از تفسیر کبیر ، فخر رازی ، ج ۱۰ ، ص ۱۴۳ - ۱۴۴ ؛ و تفسیر المیزان ، علامه طباطبائی ، ج ۴ ، ص ۳۹۱ - ۳۹۳ . ۷- همان .